جدال بر سر راهبرد مذاکراتی ترامپ با ایران

فشار حداکثری غیرتبادلی

تحلیل

فرشید فرحناکیان
دکترای حقوق نفت و گاز

در فضای کنونی گفت‌وگوهای میان واشنگتن و تهران بر سر برنامه هسته‌ای و دیگر موضوعات راهبردی، یک پارادایم جدید میان دو کشور شکل گرفته است. این پارادایم، مذاکرات را نه به‌عنوان ابزار «مبادله امتیاز» بلکه به‌عنوان بستر «تحمیل تغییر از موضع قدرت» می‌بیند؛ به‌گونه‌ای که طرف آمریکایی بر حفظ اهرم‌های فشار اقتصادی و نظامی تأکید دارد و طرف ایرانی از پیش‌شرط گذاری و نتایج تعیین‌شده از قبل انتقاد می‌کند. بخش‌هایی از سیاست‌گذاران در واشنگتن معتقدند تمرکز دولت آمریکا باید کمتر روی «به‌دست آوردن یک توافق» با ایران باشد و بیشتر روی این باشد که چگونه می‌توان از تهدید نظامی برای تحت‌فشار گذاشتن تهران و پیشبرد خواسته‌های ایالات‌متحده استفاده کرد. آنها پیشنهاد می‌کنند تهدیدات نظامی مانند افزایش حضور نیروی دریایی، استفاده از حملات هوایی دقیق و نشان دادن آمادگی برای ضربات قریب‌الوقوع، باید به‌عنوان ابزار چانه‌زنی در کنار فشار اقتصادی و سیاسی به‌کار روند تا ایران برای عقب‌نشینی از موضعش در حوزه هسته‌ای، موشکی و حمایت از متحدان منطقه‌ای قانع شود. این چشم‌انداز در ادامه پیامدهای سیاست «فشار حداکثری» (Maximum Pressure) است که طی سال‌های اخیر پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ تحریم‌های اقتصادی ایران را تقویت کرده است.

بر اساس آنچه ریچارد نفیو؛ معمار اصلی تحریم‌های ضدایرانی در دولت اوباما و از چهره‌های شاخص طراحی سیاست فشار حداکثری بر اساس این رویکرد در The Washington Institute for Near East Policy منتشر کرده است دولت آمریکا باید در مذاکرات روشن کند که بار جلوگیری از تشدید تنش بر دوش ایران است و واشنگتن هیچ تعهدی برای «نجات» ایران از مشکلات سیاسی و اقتصادی داخلی ندارد؛ بنابراین هر نوع امتیاز اقتصادی، ازجمله رفع تحریم‌ها، تنها پس از مشاهده تغییر رفتاری واقعی و پایدار امکان‌پذیر است. در این راستا آمریکا باید کمتر بر دستیابی به «یک توافق» متمرکز باشد و بیشتر بیندیشد چگونه می‌تواند با استفاده از تهدید حمله، مطالبات خود را در طیفی از نگرانی‌ها پیش ببرد. این رویکرد، مذاکره را ابزار مدیریت عقب‌نشینی تحت‌فشار می‌بیند: فشار اول، امتیاز بعد.

سه ستون این رویکرد عبارتند از: تحریم‌های اقتصادی فراگیر برای محدودسازی منابع مالی؛ انزوای دیپلماتیک و بسیج ائتلاف‌ها و بازدارندگی سخت با سیگنال‌های نظامی برای افزایش هزینه‌های تشدید. این ابزارها در کنار هم به‌نوعی تقویت‌کننده رویکردی هستند که مذاکره را نه به‌عنوان توقف فشار، بلکه به‌عنوان مرحله‌ای برای افزایش فشارِ مؤثر تلقی می‌کند.

> آینده گفت‌وگوها میان تهران و واشنگتن نه‌فقط به توازن قوا و ابزارها، بلکه به درک مشترک از ماهیت مذاکره، اهداف راهبردی و نحوه مدیریت فشار و مشوق‌ها بستگی دارد

دیپلماسی مرحله‌ای

مقام معظم رهبری صراحتاً از «تعیین نتیجه از پیش» در مذاکرات انتقاد کرده و آن را «کار غلط و ابلهانه» خوانده است. این انتقاد محور اصلی موضع ایران است و بر این باور است که مذاکره باید فرآیندی باز و بدون تعیین نتیجه قطعی از قبل باشد، نه ابزار تحمیل امتیازات یک‌جانبه. این واکنش نشان‌دهنده مخالفت تهران با پیش‌شرط‌هایی است که می‌تواند فضای دیپلماتیک را فروبپاشد و مذاکرات را به یک «ابلاغیه سیاسی» تبدیل کند.

در وضعیت کنونی، اصول اساسی مذاکره در تقابل قرار دارند: فشارِ اهرمی، تهدید نظامی و تحریمِ غیرتبادلی در مقابل انعطاف دیپلماتیک و مسیرهای تدریجی برای تعامل سازنده. راهبردی که مذاکرات را به‌عنوان برنامه‌ای برای تحمیل نتیجه و «ضربات قریب‌الوقوع» ببیند، ممکن است اهداف بلندمدت واشنگتن را حفظ کند؛ اما درعین‌حال خطر تشدید تنش و بن‌بست دیپلماتیک را افزایش می‌دهد؛ امری که خود موجب تضعیف فرصت‌های مصالحه پایدار خواهد شد. آینده گفت‌وگوها میان تهران و واشنگتن نه‌فقط به توازن قوا و ابزارها، بلکه به درک مشترک از ماهیت مذاکره، اهداف راهبردی و نحوه مدیریت فشار و مشوق‌ها بستگی دارد. اگر مذاکرات به سمت «تحمیل نتیجه» سوق یابد، احتمال بن‌بست بالا خواهد رفت؛ اما اگر دو طرف بتوانند راه‌حل‌های مشترک و قابل‌راستی‌آزمایی طراحی کنند، امکان عبور از دور باطل فشار و ضدفشار فراهم می‌شود.

محدودیت نهادی

رویکرد دیگری که در تحلیل‌ها مطرح می‌شود، بر پیچیدگی حقوقی و نهادی تحریم‌های ایران در ایالات‌متحده تأکید دارد. طی دو دهه گذشته، لایه‌های متعددی از تحریم‌ها با عناوین هسته‌ای، موشکی، تروریسم و حقوق بشر از طریق قوانین کنگره تصویب شده‌اند. این ساختار باعث شده است که بخش مهمی از تحریم‌ها تنها با اقدام قانونگذاری جدید در کنگره قابل‌رفع باشد، نه صرفاً با اختیارات اجرایی رئیس‌جمهوری.

با توجه به فضای سیاسی کنگره و نفوذ گسترده گروه‌های حامی اسرائیل در فرآیند قانونگذاری، بازکردن گره بسیاری از این تحریم‌ها در عمل بسیار دشوار است.

جدال سه‌گانه

در این دور مذاکرات سه منطق همزمان در میدان حضور دارند: (۱) منطق فشار حداکثری غیرتبادلی: حفظ تحریم و تهدید نظامی تا تحقق انطباق کامل؛ امتیاز پس از تغییر بنیادین رفتار. (۲) منطق دیپلماسی مرحله‌ای: تبادل گام‌به‌گام و همزمانِ تعهدات و رفع تحریم برای ایجاد انگیزه مصالحه. (۳) منطق محدودیت نهادی آمریکا: حتی در صورت تمایل به توافقی جامع‌تر، ساختار قانونی تحریم‌ها و نیاز به همراهی کنگره دامنه امتیازدهی را محدود می‌کند.

این سه‌گانه، چشم‌انداز مذاکرات را پیچیده می‌کند. اگر واشنگتن بر تهدید و فشار حداکثری تکیه کند، خطر تشدید ناخواسته افزایش می‌یابد. در این رویکرد، فشار باید تا زمان تحقق تغییرات اساسی حفظ شود؛ هرگونه مشوق زودهنگام می‌تواند اهرم را سوزانده و انگیزه طرف مقابل برای انطباق را کاهش دهد. این دیدگاه در آمریکا پیشنهاد می‌کند تهدید نظامی و تحریم‌های اقتصادی در کنار هم برای فشار به تهران استفاده شود تا ایران زیر قید زمان و فشار، به مواضع آمریکا نزدیک شود. اگر به دیپلماسی مرحله‌ای بازگردد، با مقاومت داخلی و محدودیت‌های قانونی روبه‌رو می‌شود؛ و اگر بخواهد توافقی «بزرگ‌تر از برجام» ارائه دهد، ممکن است ابزار حقوقی لازم برای اجرای آن را نداشته باشد. در این رویکرد دیپلماسی مرحله‌ای، مشوق‌های تدریجی و بازتعریف اهداف مذاکرات می‌تواند انگیزه ایران را برای مصالحه افزایش دهد و خطر بن‌بست را کاهش دهد. حامیان این دیدگاه معتقدند بدون ارائه مشوق‌های معنادار در مراحل مختلف، مذاکرات ممکن است به تشدید تنش یا بن‌بست دوجانبه بینجامد.

روشن ساز کلام

راهبرد کنونی آمریکا را می‌توان تلاشی برای چانه‌زنی از موضع قدرت با اتکا به تحریم و تهدید نظامی دانست؛ رویکردی که مذاکره را امتداد فشار می‌بیند. در مقابل، تهران با ردّ پیش‌شرط گذاری و تعیین نتیجه از پیش، بر ماهیت تبادلی مذاکرات تأکید دارد. درعین‌حال، یک متغیر کمتر دیده‌شده اما تعیین‌کننده، ساختار حقوقی تحریم‌ها در آمریکاست که دامنه مانور هر دولت را محدود می‌کند. اگر این محدودیت‌های نهادی جدی گرفته نشود، هر دو طرف ممکن است در دام انتظارات غیرواقع‌بینانه گرفتار شوند: واشنگتن در پی «توافقی جامع‌تر» که ابزار اجرای آن را ندارد و تهران در انتظار «رفع گسترده تحریم‌ها» که نیازمند همراهی دشوار کنگره است. در چنین شرایطی، احتمال آنکه توافقی در چهارچوبی شبیه برجام؛ ولو با نامی جدید و اصلاحاتی سیاسی، واقع‌بینانه‌ترین سناریو باشد، افزایش می‌یابد. آینده مذاکرات نه صرفاً به اراده سیاسی؛ بلکه به توازن میان اهرم فشار، طراحی مرحله‌ای تعهدات و واقع‌گرایی نهادی در نظام تصمیم‌گیری آمریکا وابسته است. بدون این توازن، یا فشار به تشدید می‌انجامد یا انتظارات حداکثری به بن‌بست.

A History of the Modern Middle East

تاریخ خاورمیانه مدرن (۵۵)

ویلیام کلیولند
ترجمه: عسگر قهرمانپور

فرجام عثمانی، مصر و ایران در قرن نوزدهم

در نیمه دوم قرن نوزدهم، نفوذ سرمایه و تجارت اروپایی در گوشه‌وکنار منطقه، نظم اقتصادی خاورمیانه را بازآرایی کرد. کاپیتولاسیون‌ها که ابتدا به عنوان امتیازاتی برای بازرگانان اروپای غربی از سوی امپراطوری عثمانی، قدرت نظامی غالب، اعطا شده بودند، در دوره گسترش سرمایه‌داری و تسلط فناوری نظامی اروپا، به ابزارهایی برای کنترل اقتصادی و سیاسی این قدرت‌ها بدل شدند. حکام مصر و عثمانی، به‌منظور بازسازی قدرت نظامی خاورمیانه و پیشگیری از شورش‌های داخلی و تجاوزات امپراطوری‌های اروپایی، دست به خرید فناوری نظامی مدرن و تأسیس مدارس و مراکز آموزشی به سبک اروپایی زدند، اما هزینه‌های سنگین این تلاش‌ها از ظرفیت‌های تولید درآمدی دو کشور فراتر رفت و آنان ناگزیر شدند برای تأمین منابع مالی، از وام‌دهندگان اروپایی قرض بگیرند. در نهایت، محیط اقتصادی نامطلوب ناشی از کاپیتولاسیون‌ها، که فرصت‌های درآمدزایی این دو دولت را محدود می‌کرد، آنان را به آستانه ورشکستگی کشاند. در امپراطوری عثمانی مرکزی، ورشکستگی به کنترل اروپایی‌ها بر توزیع درآمدهای دولت انجامید، اما به اشغال مستقیم پایتخت منجر نشد. رقابت‌های پنهان در «مسأله شرقی» آنچنان شدید و سرزمین‌های مورد نزاع آن‌قدر راهبردی بودند که هیچ قدرت بزرگی نمی‌توانست امپراطوری عثمانی را به قیمت دیگری تحت سلطه کامل خود درآورد. با این همه، عثمانی نیز دولتی منفعل و بی‌تأثیر نبود. اما در مورد مصر، بریتانیا منافع خود را به حدی حیاتی می‌دانست که تمامی مقاومت‌های احتمالی دیگر قدرت‌های اروپایی را نادیده گرفت و در سال ۱۸۸۲، کشور را به اشغال درآورد. در طول دوران طولانی مدیریت لرد کرومر به‌عنوان مدیر اشغال، توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مصر را به گونه‌ای هدایت کرد که بیش از آنکه به نفع مصریان باشد، در خدمت منافع بریتانیا قرار گیرد. نگرانی اصلی کرومر، تضمین ثبات مالی بود و اگرچه شاهد رشد چشمگیر اقتصاد مصر بود، اطمینان حاصل کرد که این اقتصاد همچنان عمدتاً برای صادرات مواد خام به صنایع بریتانیا تنظیم شود. در تلاشی برای توجیه حضور پایدار بریتانیا، کرومر بر این نکته تأکید می‌کرد که مصریان هنوز آمادگی استقلال ندارند و با محدود کردن فرصت‌های آموزشی موجود، سعی در استمرار این وضعیت داشت. با این حال، خود اشغال بریتانیا موجب رشد ملی‌گرایی مصری شد و در آستانه جنگ جهانی اول، رهبران سکولار و دینی به‌طور مشترک ندای «مصر برای مصریان» را که اولین‌بار در جریان شورش ارابی طنین‌انداز شده بود، بر دوش گرفتند.

اگرچه ایران نیز روندهای تاریخی مشابهی با مصر و امپراطوری عثمانی را تجربه کرد، در برخی جنبه‌ها از آنها متمایز بود. در عرصه توسعه اقتصادی، ایران همانند دیگر مناطق به صادرکننده مواد خام در اقتصاد جهانی بدل شد. شاهان قاجار امتیازات کاپیتولاسیونی و اقتصادی را به بریتانیا و روسیه واگذار کردند و بدین ترتیب، روند تحول اقتصادی ایران در دست بیگانگان قرار گرفت. اما ایران تجربه تمرکز قدرت دولتی را که پیش‌نیاز مهم تحولات مصر و عثمانی بود، از سر نگذراند. اصلاحات نظامی الهام‌گرفته از اروپا، که نیروی اصلی پشت دگرگونی‌های عثمانی و مصری بود، در ایران اجرا نشد و ناصرالدین شاه نیز تلاش مستمری برای تربیت کارمندان دولتی متعهد به نهادهای اروپایی انجام نداد. در غیاب چنین عزم و نیروی انسانی آموزش‌دیده، ایران هرگز دوران مشابه تنظیمات عثمانی یا غربی‌شدن شدید مصر در دوره سلطنت اسماعیل را تجربه نکرد.

مدیرعامل فولاد خوزستان در نشست صنعتگران با رئیس‌جمهور:

صادرات، شاهرگ حیاتی تولید است

امین ابراهیمی، مدیرعامل شرکت فولاد خوزستان، در نشست راهبردی فعالان صنعتی با رئیس‌جمهور، ضمن تشریح چالش‌های کلیدی حوزه تولید، خواستار رفع فوری موانع صادراتی شد. وی با تأکید بر لزوم حفظ بازارهای بین‌المللی، تسهیل قوانین تجاری را شرط اصلی تداوم تولید و ارزآوری در شرایط کنونی اقتصاد کشور دانست.

ساختمان ریاست جمهوری نهم بهمن‌ماه ۱۴۰۴، میزبان یکی از مهمترین گردهمایی‌های اقتصادی سال جاری بود. نشستی که در آن مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، رودرروی فرماندهان جنگ اقتصادی و رؤسای انجمن‌های تولیدی و صنعتی کشور نشست تا بی‌واسطه در جریان موانع، چالش‌ها و راهکارهای بخش مولد اقتصاد قرار گیرد. در این میان، حضور امین ابراهیمی، مدیرعامل شرکت فولاد خوزستان، به‌عنوان نماینده یکی از بزرگترین قطب‌های صنعتی و صادراتی کشور، وزن ویژه‌ای به این گفتمان بخشید. محور اصلی این نشست، بررسی وضعیت صنعت در سال ۱۴۰۴، واکاوی ناترازی‌های انرژی و البته شاه‌کلید توسعه صنعتی، یعنی «صادرات» بود.

فریاد فولاد خوزستان برای گشایش دروازه‌های صادراتی

امین ابراهیمی در این نشست تخصصی، با تمرکز بر گلوگاه‌های اصلی صنعت فولاد که به مثابه پیشران اقتصاد غیرنفتی عمل می‌کند، بر نکته‌ای انگشت گذاشت که حیات و ممات بسیاری از بنگاه‌های بزرگ به آن وابسته است: «صادرات».

مدیرعامل شرکت فولاد خوزستان با ادبیاتی صریح و کارشناسی، خطاب به رئیس‌جمهور و تیم اقتصادی دولت تأکید کرد که مسیر کنونی صادرات با دست‌اندازهای متعددی روبه‌روست. وی با اشاره به اینکه بازارهای بین‌المللی به سختی به دست می‌آیند و به آسانی از دست می‌روند، خواستار تسهیل و رفع موانع صادراتی شد.

از دیدگاه مدیریت ارشد فولاد خوزستان، تداوم تولید در کوره‌های بلند کارخانجات داخلی، پیوندی ناگسستنی با حضور در بازارهای جهانی دارد. ابراهیمی در این دیدار تصریح کرد که اگر به دنبال حفظ اشتغال و گردش چرخ‌های صنعت هستیم، چاره‌ای جز حذف بروکراسی‌های زائد و تسهیل مقررات برای صادرکنندگان نداریم. این مطالبه از آن جهت حائز اهمیت است که فولاد خوزستان همواره یکی از ارکان اصلی ارزآوری برای کشور بوده و هرگونه خلل در روند صادرات آن، تأثیرات مستقیمی بر تراز تجاری کشور خواهد داشت.

منشور مطالبات صنعتگران: از اصلاح نظام بانکی تا امنیت انرژی

اگرچه امین ابراهیمی پرچمدار بحث صادرات بود، اما فضای کلی نشست حول محور مجموعه‌ای از چالش‌های مشترک می‌چرخید که نمایندگان بخش تولید با رئیس‌جمهور در میان گذاشتند. براساس گزارش‌های منتشر شده، فعالان صنعتی در این جلسه ضمن تقدیر از تصمیم شجاعانه دولت چهاردهم درخصوص «اصلاحات ارزی و تک‌نرخی شدن ارز»، این اقدام را گامی بلند به سوی شفافیت اقتصادی دانستند.

با این حال، لیست مطالبات مطرح شده در حضور مدیرعامل فولاد خوزستان و سایر صنعتگران، نشان‌دهنده عمق مشکلات ساختاری است. «اصلاح قوانین و مقررات حمایتی نظام بانکی» و «تأمین سرمایه در گردش» در صدر این درخواست‌ها قرار داشت. صنعتگران معتقدند که بانک‌ها باید از بنگاه‌داری فاصله گرفته و به وظیفه ذاتی خود یعنی حمایت از تولید بازگردند.

علاوه بر این، موضوعاتی نظیر «کاهش فشارهای مالیاتی و بیمه‌ای»، «اصلاح تعرفه‌ها»، «مقابله با ترک فعل برخی سازمان‌ها» و «باور به ظرفیت تولیدکنندگان داخلی» از دیگر محورهای مطرح شده بود. همچنین، تولیدکنندگان با انتقاد از پدیده‌ای به‌نام «تولید نماها»، خواستار برخورد جدی دولت با کسانی شدند که با نام تولید، از رانت‌ها بهره می‌برند اما خروجی مؤثری ندارند.

روایت وزیر صمت از سال سخت اما رو به رشد صنعت

در بخش دیگری از این نشست، سیدمحمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت، تصویری واقع‌گرایانه از وضعیت صنعت در سال ۱۴۰۴ ارائه داد. اتابک با تأیید وجود ناترازی‌های شدید در حوزه انرژی، عملکرد صنعتگران را تحسین‌برانگیز خواند و گفت: «با وجود تمامی موانع و چالش‌ها، روند رشد صنعت در کشور قابل قبول بوده و پیشرفت‌های ملاحظه‌ای رقم خورده است.»

وزیر صمت با اشاره به نقش‌آفرینی صنایعی همچون فولاد خوزستان در عبور از بحران انرژی، خاطرنشان کرد که بخشی از ناترازی‌ها با همت خود صنایع و از طریق احداث نیروگاه‌های خورشیدی و سیکل ترکیبی جبران شده است. وی این هم‌افزایی میان وزارت نیرو و صنایع بزرگ را الگویی موفق برای کاهش فشار بر شبکه سراسری و تداوم تولید دانست.

اتابک همچنین با دفاع مجدد از سیاست‌های ارزی دولت، تأمین «سرمایه در گردش» را اولویت کوتاه‌مدت وزارتخانه خود اعلام کرد تا شوک‌های ناشی از اصلاحات اقتصادی، منجر به توقف خطوط تولید نشود. یکپارچه‌سازی سامانه‌های مرتبط با تجار و تولیدکنندگان نیز وعده دیگر وزیر برای کاهش سردرگمی‌های اداری بود.

پاسخ رئیس‌جمهور: وعده تابستان روشن برای صنایع

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، پس از شنیدن سخنان امین ابراهیمی و سایر مدیران صنعتی، واکنش‌های امیدوارکننده‌ای نشان داد. وی با بیان اینکه «خود را موظف به پیگیری مشکلات و برطرف کردن موانع می‌دانیم»، بر لزوم مشارکت مستقیم تولیدکنندگان در فرآیندهای تصمیم‌گیری تأکید کرد.

پزشکیان درخصوص یکی از بزرگترین دغدغه‌های فولاد خوزستان و سایر صنایع انرژی‌بر، یعنی قطعی برق، خبری خوش داد. رئیس‌جمهور اعلام کرد: «با سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های جدید در حوزه تأمین انرژی، برای تابستان سال آینده احتمالاً برق واحدهای تولیدی را قطع نخواهیم کرد.» این وعده می‌تواند نقطه عطفی برای صنایعی باشد که در سال‌های اخیر زیان‌های هنگفتی از ناترازی برق متحمل شده‌اند.

رئیس دولت چهاردهم همچنین به برنامه‌های کلان برای اصلاح الگوی مصرف، از جمله در حوزه کولرهای آبی و کاهش وابستگی صنایع به برق با جایگزینی گاز اشاره کرد. وی در بخش دیگری از سخنانش به موضوع حیاتی «فلرسوزی» پرداخت و از ذخیره‌سازی ۱۵ میلیون مترمکعب سوخت و برنامه‌ریزی برای رسیدن به عدد ۴۰ میلیون مترمکعب خبر داد؛ اقدامی که نه تنها ارزش اقتصادی دارد، بلکه برای استانی مانند خوزستان که درگیر آلاینده‌های نفتی است، اهمیتی زیست‌محیطی خواهد داشت.

دستور ویژه برای حل بحران نقدینگی

رئیس‌جمهور در پاسخ به دغدغه مشترک صنعتگران درباره کمبود نقدینگی، دستور برگزاری جلسه‌ای فوری با حضور وزرای اقتصادی و مسؤولان بانک مرکزی را صادر کرد تا راهکارهای عملیاتی برای تزریق سرمایه در گردش به واحدهای تولیدی تدوین شود.

پزشکیان تأکید کرد که در تمام این جلسات، صاحبان صنایع باید حضور داشته باشند تا تصمیمات پشت درهای بسته اتخاذ نشود.

> ابراهیمی: فولاد خوزستان همواره یکی از ارکان اصلی ارزآوری برای کشور بوده و هرگونه خلل در روند صادرات آن، تأثیرات مستقیمی بر تراز تجاری کشور خواهد داشت

چشم‌انداز پیش‌رو برای فولاد خوزستان

حضور فعال و مطالبه‌گرانه امین ابراهیمی در این نشست و طرح بی‌پرده مسائل صادراتی، نشان‌دهنده عزم جدی شرکت فولاد خوزستان برای عبور از موانع تحریمی و داخلی است.

اکنون با وعده‌های رئیس‌جمهور مبنی بر عدم قطع برق در تابستان آینده و دستور برای تسهیل قوانین تجاری، انتظار می‌رود که در ماه‌های آتی شاهد بهبود شرایط برای غول‌های صنعتی کشور باشیم. توپ اکنون در زمین دولت است تا با اجرایی کردن این وعده‌ها، مسیری را که مدیرانی چون ابراهیمی برای توسعه بازارهای بین‌المللی ترسیم کرده‌اند، هموار سازد.

آنچه در این نشست گذشت، پیامی روشن داشت: صنعت فولاد آماده جهش است، مشروط بر آنکه زنجیرهای بسته شده بر پای صادرات، باز شود.